



۲۰۱۵/۰۸/۰۴

نجیب داوری

از فلسفه بافی تا حقایق عینی

با مطالعه مقاله محترم احمد فواد ارسلان، که حقایق سیاسی سالهای نخست دهه هفتاد میلادی افغانستان را با شواهد انکار ناپذیر آنلاين ساخته اند؛ بخش های از این نوشته حذف شده است.

میان رژیم های دکتاتوری و رژیمی های که منافع ملی را در دستور کار شان قرار داده - بخاطر منافع علیای کشور در چوکات نظم و قانون دوران شکنجه و تفتیش عقاید کشور را رهبری میکنند، باید فرق قایل شد. بعضی مقالات وضعیت دموکراسی از نوع کشورهای غربی و دکتاتوری ها را از نوع حفیظ الله امین بطور کل و متحدالمال به بحث گرفته اند. اما اینگونه مقالات رژیمی را که زیر نام دموکراسی و مردم سالاری، انارشی و هرج - مرج را به ارمغان آورده و میدان را برای فرصت طلبان چپی و راستی شغالی ساخته بود به هیچ وجه نمیتواند تبرئه کند. در عین حال متهم کردن رژیمی که در تلاش تطبیق نظم و قانون کشور را بسوی رفاه اجتماعی، انقلاب فرهنگی و رشد اقتصادی رهبری میکرد، به رژیم دکتاتوری، نه تنها اینکه کار عاقلانه نیست، بلکه نوعی تحریف حقایق تاریخ نیز پنداشته میشود.

اگر قرار باشد مقاله ذهناً و بدون در نظر داشت واقعیت های عینی تحریر گردد؛ در زمان رژیم بر سر اقتدار حدخا نیز مقالات زیاد و بلند و بالایی در سطوح علمی حتی پی.اچ.دی در مدح سوسیالیزم - کمونیزم و هجو امپریالیزم و سرمایه داری تحریر شد. ولی دیدیم که در عمل جریان از چه قرار بود، و از چه قرار شد. همان هایی که گوی شانرا بخاطر زنده باد سوسیالیزم و مرگ به امریکا و امپریالیزم پاره کرده و فکر میکردند که تطبیق سوسیالیزم افغانستان را به بهشت برین تبدیل خواهد کرد؛ بخاطر انکار از واقعیت های عینی جامعه و شرایط افغانستان در تلاش برای حصول نخود سیاه، سرشان به سنگ خورده و امروز در شهرهای واشنگتن، ویرجینیا، کالیفورنیا، لندن، هامبورگ، امستردام، و غیره پناه گرفته و چه بسا که از خیرات پول سوسیال همین کشورها اعانه و اباته میشوند. حرف ما روی حقایق و شواهد استوار است، نه کلی گویی و پوشاندن حقایق. تاریخ را باید از روی حقایق و شواهد انکار ناپذیر نوشت، نه با کلی گویی و فلسفه بافی؛ از طرف دیگر نباید طرفداران حقایق تاریخی کشور متهم به داوود پرستی شوند. ما برای تمام شخصیت های تاریخ ساز، صادق و وطنپرست افغانستان عزیز از سلطان غزنه گرفته تا حاجی میرویس خان، احمدشاه بابای کبیر، شاه امان الله و شهید داوود خان بطور یکسان احترام قایل هستیم، و بدین باور هستیم که دارو ندار افغانستان فعلی نتیجه جان فشانی های همان رهبران تاریخ ساز میباشد. بناً هر آینه بنا به تحلیل و برداشت خود از کودتای 26 سرطان 1352 تعریفی دارد. یکی آنرا خیانت به دموکراسی، مردم سالاری و باز گشت استبداد میدانند و دیگری هم برگشت نظم- قانون و ختم انارشی، هرج و مرج و فساد مزمن در دستگاه دولت.

از نظر من کودتای 26 سرطان شروع یا آغاز نوعی از انقلاب اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی بود که در حال نضج گرفتن بود؛ ولی متأسفانه که به سر منزل مقصود نرسید.

وقتی کودتای مذکور صورت پذیرفت در صنف هفتم مکتب شیوه کی درس میخواندم. در آنوقت مکتب مذکور پُر بود از پسران بعضی از رجال دولتی و تعدادی از پولداران شهر نشین که بخاطر عدم لیاقت، توان پیشبرد تحصیل در مکاتب شهر را نداشته و بخاطر بدست آوردن مدرک تحصیلی به مکتب شیوه کی سه پارچه نموده بودند. زیرا پدیده گریز از قانون، واسطه بازی ها، رشوه، نقل و نقالی در تار پود مکتب مذکور و شاید هم در تار و پود تعدادی دیگر از مکاتب اطراف شهر و حتی مرکز کابل ریشه دوانیده بود. هر چند عده محدودی از معلمین استفاده جو و رشوه ستان در ادامه چنین وضع خوشحال بودند؛ ام معلمین و استادان با احساس و وطنپرست که به توانایی و دانش نسل جوان دل بسته بودند، میبایست با چنین هوا و فضا میسوختند و میساختند. زیرا توان مقابله با فساد تعلیمی از توان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

معلمین مذکورنه تنها بیرون، بلکه حتی در سطح بالا تر نیز مقابله با بیعدالتی ها و قانون ستیزی هامشکل و ناممکن هم بود.

از سوی دیگر ایجاد سرو صدا و مظاهره زیر لوای دستاورد دموکراسی یکی از مشغولیت ها و سرگرمی های شاگردانی بود که نشستن در صنف و گوش دادن به درس معلم برایشان خسته کن؛ در نتیجه با ایجاد مظاهرات حق و ناحق زیر نام مطالبه این و آن نه تنها خود، بلکه سایر شاگردان را که جهت آموختن علم و دانش به مکتب آمده بودند- از نعمت تعلیم بی بهره میساختند. در متوسطه شیوه کی چنین تظاهرات بر علاوه تجلیل از روز های چون روز گارکر و سوم عرقب، بخاطر تاسیس کتابخانه، تالار مطالعه و لابراتوار کیمیا و فزیک نیز طور مداوم و مزمین بر پا میشد. خواست های دیگری از قبیل توزیع مکمل کتب درسی به شاگردان، ترمیم و نصب شیشه ارسی های اتاق های درسی جهت جلوگیری از ورود گردوخاک در هنگام تدریس نیز جزء درخواست های تظاهر کننده گان بود.

با وجودیکه تظاهر کننده گان در مورد یاد داشت ها و درخواست های شدید اللحنی به اداره مکتب و از آن طریق به مقامات وزارت معارف وقت میسپردند، ولی تا پایان عصر اعتصابات و تظاهرات دوره دموکراسی طلایی رژیم پادشاهی المتوکل، به این خواست ها در عمل هیچ اقدامی صورت نگرفت.

بعد از تاسیس رژیم جمهوریت در سال ۱۳۵۲، ختم عصر تظاهرات؛ تأمین و اعاده نظم و دسپلین در مکاتب و پوهنتون ها، این بار هواخواهان مطالعه و کتاب در مکتب مذکور فکر میکردند که دیگر آب پاک و سردی روی دستان شان ریخته شده و با در نظر داشت اینکه دیگر نمیتوانند از طریق مظاهرات و اعتصابات صدای شانرا را جهت تاسیس کتابخانه و لابراتوار به گوش کسی برسانند، شاید هرگز صاحب کتابخانه و لابراتوار نشوند. ولی خلاف توقع و انتظار در یکی از روزی های بهار سال ۱۳۵۴ هجری شمسی هیأتی از دانشمندان و متخصصین وزارت تعلیم و تربیه به مکتب شیوه کی (که بعد از کودتای سال ۵۲ به لیسه ارتقا نموده بود) آمد و به اداره لیسه دستور داد تا اتاقی را جهت تاسیس کتابخانه و تالار مطالعه، اتاق دیگری را برای نصب وسایل لابراتوار کیمیا و فزیک برای چند روز دیگر آماده نماید. بنابه وعده همین هیأت ماه بعد در حصره ترمیم ارسی ها، دروازه ها و نصب شیشه هم اقدامات عملی نیز روی دست گرفته شد. هنوز چند هفته از ورود هیأت مذکور نگذشته بود که موثر باربری کوچکی مملو از کتاب های مختلف چاپ شده در افغانستان و ایران، بزبان ها دری و پشتو، فرستاده وزارت تعلیم و تربیه در صحن لیسه تخلیه و بدین ترتیب راه برای مطالعه آثار نویسنده گان و دانشمندان معروف جهان برای شاگردان لیسه مورد نظر گشوده شد. من و شاید هم مثل من صد ها متعلم دیگر برای اولین بار با مطالعه کتاب های غیر از کتاب درسی آشنایی پیدا کردیم. در حالیکه قبلاً بنا بر بعضی عوامل، بخصوص اقتصادی به جز از کتب بوستان و گلستان شیخ سعدی علیه الرحمه و دیوان اشعار خواجه شمس الدین حافظ شیرازی که در مساجد برای نوجوانان بعد از ختم قرآن شریف تدریس میشد، دیگر با هیچ کتابی به جز از کتب تدریسی مکتب آشنایی نداشتیم.

سال ۱۳۵۵ هجری شمسی وزارت تعلیم و تربیه وقت امتحانات مکاتب را از چهارونیم ماهه و سالانه به امتحانات ماهوار عوض کرد که در امتحانات ماهوار هم بیست فیصد نمره هر مضمون از روی کار خانگی حساب میگردد؛ تعدادی از معلمین به ارتباط کار خانگی و وظایفی به شاگردان میدادند که جهت به سر رسانیدن آن، جز رفتن به کتابخانه ها و تحقیق در مورد راه دیگری وجود نداشت. و به این ترتیب برای اولین بار با کتابخانه عامه کابل آشنایی پیدا کردم حال و هوای آنروز های کتابخانه عامه کابل را بیاد میآورم و شور و ازدحام آنرا، محلی که تعداد کثیری از شاگردان مکاتب مختلف شهر و اطراف کابل هر روزه به آنجا شتافته و جهت اجرای کار خانگی مصروف مطالعه و تحقیق میشدند تا جائیکه اکثر اوقات چوکی و جایی برای متقاضیان کتاب و مطالعه خالی نمیماند. آوازه های در همان وقت به گوش میرسید که رئیس دولت وقت با مشاهده این وضع دستور داده بود تا بالای قطعه زمین شخصی اش واقع در شهر آرا کابل کتابخانه مجهز با تالارهای وسیع مطالعه اعمار گردد. ولی این ازدحام و تحقیقات متعلمین دیر دوام نیآورد زیرا بعد از انقلاب شکوهمند و دوران ساز ثور دولت تازه تاسیس انقلابی در نخستین اجراءات انقلابی اش در راستای خدمت به مردم زحمتکش افغانستان، سیستم امتحانات ماهوار و کار خانگی متعلمین را ملغی قرار داد. و همینطور با شهید شدن محمد داوود ایده ساخت کتابخانه مدرن نیز هرگز در عمل پیاده نشد.

برگشتاندن نظم و دسپلین به لیسه شیوه کی داستان بسیار جالب دیگری است، که از حوصله این پنجره خارج میباشد. ولی خلاصه عرض میشود که در زمان درخشان جمهوریت که میتوان آنرا انقلاب فرهنگی- تعلیمی نامید.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

تعلیم و تربیه در سطح کشور به شکل غیر قابل باور در حال رشد بود. از اثر همین تلاش ها بود که در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ برای دوسال متوالی اول نمره عمومی کانکور پوهنتون ها در سطح کل کشور از لیسه شیوه کی معرفی شد.

اما بعد از کودتای ننگین ثور توسط احزاب محصول دوره دموکراسی تاجدار چون خلق و پرچم، همه چیز فرو ریخت. و تعمیر زیبا- عصری و پخته لیسه شیوه کی که محصول عرق ریزی های دوره صدرات شهید داوود خان بود؛ در سال ۱۳۵۹ در یک عمل کاملاً خائنانه از طرف مذوران سازمان استخبارات نظامی پاکستان به آتش کشیده شد.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ